

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۳ اکتوبر ۲۰۱۹

اردوخان هم چنان بر ایجاد منطقه «امن» در شمال سوریه اصرار دارد؟!

رجب طیب اردوخان رئیس جمهوری ترکیه، در حالی بر ایجاد منطقه «امن» در کردستان سوریه (روژآوا) اصرار می ورزد که بارها این سیاست مشکل ساز شده است. اردوخان از یک طرف سه روز پیش گفته بود که به زودی عملیات بزرگ نظامی علیه روژآوا آغاز خواهند کرد اما این مهلت دیشب به پایان رسید و از سوی دیگر، ترکیه مهلت سه هفته ای برای امریکا تعیین کرده بود اما این مهلت نیز به پایان رسید. با این وجود اردوخان هم چنان بر طبل جنگ می کوبد!

شورای امنیت ملی ترکیه دیروز یکم اکتوبر ۲۰۱۹، به ریاست رجب طیب اردوخان رئیس جمهوری ترکیه تشکیل جلسه داد. در بیانیه ای که در پایان اجلاس انتشار یافت، اعلام گردید: ترکیه، تلاش های بی وقفه و صمیمانه خود برای اجرای طرح تشکیل منطقه امن در سوریه را بیش از پیش تقویت خواهد بخشید.

در بیانیه مذکور، ضمن اشاره به این که «عملیات خنثی سازی بر علیه سازمان های تروریستی با قاطعیت ادامه خواهد یافت»، چنین گفته شد: «بدین وسیله تأیید می شود که عملیات ضد تروریستی پنجه تا پاک سازی کامل تروریست ها از منطقه ادامه خواهد یافت.»

در بیانیه شورای امنیت ملی ترکیه تأکید گردیده که: «ترکیه به دفاع از حقوق فلات قاره ای خود در مدیترانه شرقی ادامه داده و فعالیت های مشترک اش در چهارچوب قراردادهای منعقد شده با جمهوری ترک قبرس شمالی ادامه خواهد یافت.»



رجب طیب اردو خان، در سخنرانی خود در هفتاد و چهارمین نشست سالانه مجمع عمومی ملل متحد در نیویورک، ریاکارانه سخنانی در انتقاد از «بی عدالتی و تبعیض و دوگانگی رفتاری غرب» و «قطعی و گرسنگی» مطرح کرد. از فلسطین دفاع نمود.

او درباره بحران آوارگان سوری صحبت کرد و این که کشورش طی ۹ سال گذشته آغوش بازی برای سوری ها داشته و بیش از ۳ میلیون آواره سوری را درون خود جای داده است و حالا می خواهد با تعیین یک منطقه حائل در مرز با سوریه بیش از ۳ میلیون مهاجر سوری را در این منطقه اسکان دهد.

در حالی که دولت اردو خان و ارتش ترکیه، با تجاوز به خاک سوریه و حمایت از گروه های تروریستی در جنگ داخلی هشت ساله این کشور، خود یکی از اصلی ترین عوامل آوارگی و پناهندگی مردم سوریه است.

ساکنین عفرین که با زور از خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده و آواره شده اند، در کمپ «سردم» ساکن شده اند.



به گزارش خبرگزاری فرات، دوشنبه ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۹، اهالی عفرین ۵۸ روز در زیر حملات دولت ترکیه در عفرین مقاومتی تاریخی انجام دادند و هرگز آماده نشدند خود را تسلیم کنند پس از آن که دولت ترکیه عفرین را اشغال کرد به ناچار در منطقه‌ی شهبا ساکن شدند. با وجود دشواری هائی که با آن مواجه هستند، اما مقاومت شان در زیر باران، سرما و گرمای تابستان نیرومندتر می شود.

رئیس مشترک شهرداری کمپ سردم قازقلی محمد، در مورد تدارکات مردم برای زمستان با خبرگزاری فرات مصاحبه‌ای انجام داد.

قازقلی محمد اعلام کرد، یک ماه است که در کمپ برای زمستان تدارکات لازم دیده می شود، وی گفت، «سال گذشته فرصت کافی برای همکاری با مردم نداشتیم. به همین دلیل چندین چادر در زمان بارش باران دچار آب گرفتگی شدند. امسال ما بهتر قادر به همکاری ساکنین بودیم. برای آن که اتفاقات سال گذشته رخ ندهند، برای همه چادرها بر اساس نیازشان سیمان و شن آورده می شود و از راه کمون ها میان آن ها تقسیم می شود. مردم خود چادرهایشان را درست می کنند. مردم عفرین در عفرین مقاومت کردند، اکنون در این جا نیز مقاومت می کنند. برای آن که به عفرین بازگردند، همه سختی ها را متقبل می شوند.»

اردو خان، طی سخنرانی در هفتاد و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، از جمله از حکومت اسلامی ایران حمایت کرد و گفت: «امیدواریم بحث بر سر فعالیت های هسته ای ایران و تهدیدات علیه این کشور در اسرع وقت به طور عاقلانه حل و فصل شود. موضوع انرژی هسته ای یا باید برای همه ممنوع و یا باید برای همه آزاد باشد.

اردو خان درباره حضور ارتش شان در جنگ داخلی سوریه نیز مدعی شد: «بزرگ ترین ضربه به گروه تروریستی داعش در سوریه را ترکیه وارد کرده است. اکنون نیز قصد داریم در نخستین مرحله با ایجاد یک کریدور صلح به عمق

۳۰ کیلومتر به طول ۳۸۰ کیلومتر در شمال سوریه، ۲ میلیون سوری را در آن جا اسکان بدهیم باید منطقه امن را تا خط دیر الزور و رقه نیز گسترش دهیم.»

اردوخان، پیش تر به اتحادیه اروپا هشدار داده که ترکیه در صورت عدم دریافت بودجه بیش تر، می تواند دوباره «دروازه ها را به روی پناهجویان سوری باز کند». انقره در ازای بستن راه ورود پناهجویان سوری به اروپا در سال ۲۰۱۶ میلیاردها یورو از اتحادیه اروپا دریافت کرده است.

در واقع دولت ترکیه هم در جنگ داخلی از نیروهای مخالف دولت بشار اسد حمایت می کند و هم علیه روژآوا به جنگ و لشکرکشی می کند همین سیاست ترکیه به خود خود، پناهنده ساز است اما دولت اروغان بی شرمانه در روز روشن از مسأله پناهدگی سوء استفاده سیاسی و اقتصادی می کند از این رو، در چنین نگرشی، حتی ذره ای انسان دوستی وجود ندارد!

رئیس جمهوری ترکیه قبل از حضور در مجمع عمومی سازمان ملل گفته بود که در نیویورک با ترمپ و رهبران اروپا در مورد این طرح ها گفتگو خواهد کرد اما ظاهرا هفته گذشته با دستان خالی به کشورش بازگشت.

او در هواپیما گفت: «ترکیه کشوری نیست که بتواند متوقف شود»، مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه نیز پیام او را تکرار کرد و با اشاره به یگان های مدافع خلق، گفت: «اگر ما نتوانیم راهی با ایالات متحده بیابیم، خودمان سازمان تروریستی را پاک سازی خواهیم کرد.»

نیروهای امریکائی و ارتش ترکیه تاکنون در شمال شرقی سوریه چندین مأموریت هوائی مشترک و دو گشت زمینی انجام داده اند.

متحدان ناتو درباره عمق منطقه امن و این که چه کسی باید آن را کنترل کند اختلاف نظر دارند، در حالی که امریکا حتی از نام بردن از منطقه «امن» خودداری می کند و به جای آن از «مکانیسم امنیتی» سخن می گوید.

امریکا، ظاهرا به ترکیه هشدار داده است که عملیات یک جانبه نظامی به سود امنیت هیچ کشوری نیست. به گزارش رویترز، رجب طیب اردوخان، رئیس جمهوری ترکیه هفته گذشته در سازمان ملل اعلام کرد که می خواهد منطقه امنی در امتداد ۴۸۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه ایجاد کند و به ۳۰ کیلومتر در داخل سوریه برسد. طبق برنامه ترکیه، نزدیک به دو میلیون پناهنده سوری با پشتیبانی جامعه جهانی در منطقه امن اسکان داده می شوند.

با اجرای این طرح شمار پناهندگان سوری که به دلیل جنگ هشت ساله سوریه، وارد ترکیه شده اند نصف می شود و یگان های مدافع خلق روژآوا که دولت ترکیه آن ها «تروریست» می داند و معتقد است که امنیت این کشور را تهدید می کنند، از کرانه مرزی دور می شوند.

طنز تلخ تاریخ در آن جاست که دولت و ارتش ترکیه به مردمی که در خانه و کاشانه خود زندگی می کنند تروریست می نامد و قصد دارد این «تروریست» ها را از روستاها و شهرهایشان عقب براند و به اشغال نظامی خود درآورد؟ آیا تروریست دولت و ارتش متجاوز و اشغالگر ترکیه است یا یگان های مدافع خلق روژآوا که سرزمین ها و مردم خود دفاع می کنند؟!

در واقع اردوخان با اتحادیه اروپا بر سر پناهجویان سوری در ترکیه و امریکا بر سر تاسیس منطقه امن در خاک سوریه اختلاف های شدید دارد.

دونالد ترمپ، رئیس جمهوری امریکا سال گذشته، اعلام کرده بود که می خواهد دو هزار سرباز این کشور را که به نیروهای مدافع خلق روژآوا در مبارزه علیه گروه «دولت اسلامی» (داعش)، پشتوانه هوائی می دادند از سوریه خارج کند. پس از آن واشنگتن با ایجاد منطقه «امن» ترکیه موافقت کرد.

اما نیروهای امریکائی هنوز سوریه را ترک نکرده اند و واشنگتن و انقره نیز تاکنون نتوانسته اند در مورد جزئیات ایجاد منطقه امن به توافق برسند. ترکیه امریکا را متهم کرده که خود را کنار کشیده و هشدار داده است که امور را خود به دست خواهد گرفت.

تحلیل گران و حزب جمهوری خواه خلق، حزب اپوزیسیون در پارلمان ترکیه، می گویند اردوخان وقتی روابط انقره با واشینگتن در معرض خطر قرار بگیرد، نمی خواهد امریکا را با یک حمله نظامی در مقیاس بزرگ عصبانی کند. با این حال، ترکیه پیش از این در سه سال گذشته دو حمله نظامی به شمال سوریه انجام داده و نیروهای خود را در منطقه تحت کنترل نیروهای مخالف حکومت مرکزی سوریه ادلب مستقر کرده است. ارتش ترکیه هم چنین کانتون عفرین روژآوا به اشغال نظامی خود در آورده است اکنون دولت ترکیه می گوید مقدمات عملیات دیگری را کامل می کند. در عین حال در سال های اخیر، مجموعه ای اختلاف بین واشینگتن و انقره به وجود آمده است. یک از آن ها، نزدیکی ترکیه به روسیه و دوری از امریکا و ناتو است که به ویژه به دلیل خرید سامانه دفاع موشکی اس-۴۰۰ از روسیه شده گرفته است.

اردوخان که از شورشیان مخالف بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه پشتیبانی کرده است، هر چند که روابط نزدیکی با حکومت ها روسیه و ایران دارد با مخالفت روسیه و ایران، هم زمان اختلاف هم دارند. چرا که روسیه و ایران با تمام قدرت از بشار اسد دفاع می کنند. روسیه به توافق نامه امنیتی ترکیه و سوریه در سال ۱۹۹۸ اشاره کرده و گفته است که اردوخان باید اختیارات دمشق در این منطقه را بپذیرد.

حزب جمهوری خواه خلق نیز خواهان دخالت دادن سوریه در این باره است. احمد اونال چوپکوز، معاون دبیرکل حزب جمهوری خواه خلق و دیپلمات پیشین ترکیه به رویترز گفت: «قبل از هر چیز هر نوع منطقه ای که در خاک سوریه ایجاد شود، باید توسط مقامات سوریه کنترل شود. ما با اصرار از دولت خواسته ایم که با دمشق وارد گفت و گو شود.» اکنون مهلت سه هفته ای تعیین شده از سوی اردوخان برای امریکا به منظور ایجاد منطقه امن در شمال سوریه در پایان ماه سپتمبر به اتمام رسید.

به گزارش خبرگزاری «آسوشیتدپرس»، ترکیه و ایالات متحده یکشنبه ۸ سپتمبر - ۱۷ شهریور نخستین گشت زمینی مشترک در شمال سوریه برای اجرای طرح «منطقه امن» را انجام دادند.

گزارشگران آسوشیتدپرس در شهر تل ابیض سوریه، در آن تاریخ کاروانی از چندین خودروی زرهی ارتش ترکیه را در حال عبور از مرز سوریه مشاهده کردند. خودروهای زرهی امریکائی به انتظار آن ها در آن سوی مرز بودند تا گشت زمینی را آغاز کنند.

وزارت دفاع ترکیه نیز آغاز این عملیات گشت زنی را تأیید کرده و گفته بود که از بالگرد و پهپاد نیز در این گشت زنی استفاده می شود.

دولت سوریه پیش از این اجرای طرح منطقه امن را تجاوز به حاکمیت ملی این کشور خوانده بود.

ترکیه به دنبال یک منطقه حائل دست کم ۳۰ کیلومتری در مرز سوریه است تا با آن چه خود «تهدید» کردهای شمال سوریه می خواند، مقابله کند.

پس از آغاز جنگ داخلی در سوریه، سربازان دولت مرکزی دمشق حضور نظامی در مرزهای شمال سوریه را رها کردند. کردهای شمال سوریه توانستند با سازماندهی محلی منطقه ای خودگردان متشکل از سه کانتون کوبانی، جزیره و عفرین تشکیل دهند. دفاع آن ها از شهر کوبانی در برابر حمله داعش در ۲۰۱۴، حمایت و ستایش جامعه بین المللی را برانگیخت.

نیروهای سوریه دموکراتیک به رهبری «بیگان‌های مدافع خلق» (ی پ گ)، با حمایت هوایی ائتلاف، علیه داعش در رقه، پایتخت آن و نیز در استان دیرالزور در شرق سوریه وارد نبرد شدند و این نیروی هیولانی را شکست دادند. نیروئی که از حمایت همه جانبه دولت ترکیه برخوردار بود و سران داعش به ویژه با پسر اردوخان و دامادش رابطه بسیار نزدیکی داشتند و نفت داعش را ارزان می خریدند و با قیمت بسیار بالا در کشورهای اروپائی می فروختند. از این رو، شکست داعش اردوخان و دولت ترکیه را بسیار عصبانی و خشمگین کرد به طوری که آن‌ها به کانتون عفرین یورش بردند و با اشغال نظامی این کانتون روژآوا، نیروهای شکست خورده داعش و ارتش آزاد سوریه و سایر گروه‌های تروریستی که از حمایت ارتش و دولت ترکیه برخوردارند در این کانتون جای داده شدند. ارتش ترکیه به همراهی گروه‌های تروریستی، ماه مارس گذشته کانتون عفرین را اشغال کرد.

رجب طیب اردوخان، رئیس‌جمهوری مستبد ترکیه، پس از اشغال عفرین تهدید کرد که «به سمت منیج، عین العرب (کوبانی)، تل ابیض، راس العین (سری‌کانی در حسکه) و قامشلی خواهیم رفت و این باریکه ترور را به طور کلی از (ی پ گ) پاک سازی خواهیم کرد.»

انقره مسأله بازگشت مهاجران سوری را نیز پیش کشیده و گفته که اجرای طرح منطقه امن را برای بازگرداندن سوری‌ها به کشورشان لازم دارد.

امریکا که در راستای منافع منطقه ای خود، ظاهراً از روژآوا حمایت می کند اما تاکنون از سیستم سیاسی این منطقه حمایت نکرده و فقط در مبارزه با داعش و صرفاً در عرصه نظامی و جنگی از آن حمایت کرده است روز ۱۶ مرداد - ۷ اوت در رابطه با سرنوشت روژآوا با ترکیه به توافقاتی دست یافت که مضمون و محتوای آن هنوز مخفی مانده و تنها بخش مورد توافق تاسیس منطقه «امن» در رسانه‌ها انعکاس می یابد.

امریکا این طرح را طرحی برای تشکیل یک «منطقه امن» نمی خواند و از این طرح تحت عنوان «سازوکاری امنیتی» نام می برد که ظاهراً برای کاهش تنش‌ها در شمال سوریه در حال اجراست.

بنابر گزارش‌ها، طرح ایجاد یک منطقه امن در امتداد ۴۵۰ کیلومتر مرز مشترک و در عمق ۳۰ یا ۴۰ کیلومتری شمال سوریه خواهد بود.

به ادعای اردوخان، ترکیه معادل ۴۰ میلیارد یورو برای ارائه کمک به اسکان پناهندگان سوری و «ایجاد منطقه امن در شمال سوریه به عمق ۳۰ تا ۴۰ کیلومتر» سرمایه‌گذاری کرده است؛ در حالی که کشورهای عضو اتحادیه اروپا کم‌تر از ۳ میلیارد یورو در همین راستا پرداخت کرده‌اند.

بر اساس اطلاعات منتشر شده «منطقه امن» مورد نظر انقره، نواری به طول ۴۶۰ کیلومتر مربع در امتداد مرز ترکیه و سوریه و به عمق ۲۰ مایل (۳۲ کیلومتر) در خاک سوریه است که از رود ساجور در غرب تا شهر کمالیه در شرق امتداد پیدا می کند. این نوار حایل در برگیرنده شهرها و روستاهای ۳ استان حلب، الرقه و الحسکه سوریه بوده و مطابق این طرح، تمامی مناطقی که در شمال خط فرضی روستاهای صرین در استان حلب و عین‌عیسی در استان الرقه قرار دارند؛ همگی با نام «منطقه امن» تحت کنترل مستقیم یا غیر مستقیم دولت ترکیه قرار خواهند گرفت.

این طرح اما در ترکیه به یک موضوع مناقشه برانگیز تبدیل شده است. برخی تحلیل‌گران معتقدند که «منطقه امن» مورد اشاره، پروژه‌ای برای منافع شخصی، سیاسی و حزبی اردوخان برای لشکرکشی به سوریه است.

اردوخان چندی پیش گفته بود، به اعتقاد او در صورت ایجاد یک منطقه امن در شمال شرقی سوریه و جوار مرز ترکیه شمار مهاجران سوری که به کشور بازمی‌گردند به یک میلیون نفر خواهد رسید.

با این وجود دور جدید درگیری های اخیر دولت مرکزی سوریه با تروریست های مسلح در شمال این کشور باعث آوارگی و هجوم هزاران تن از ساکنان مناطق شمالی ریف حماه و ادلب به سمت مرزهای ترکیه شده و به تبع آن، این موضوع در ترکیه بار دیگر باعث اوج گرفتن انتقادات نسبت به سیاست های دولت اردوخان در قبال سوریه شده است. علاوه بر این، درست هم زمان با پرواز جنگنده های روسی بر فراز اراضی تحت سیطره مسلحین و بمباران مواضع مخالفین دولت سوریه در شمال سوریه، گسترش روابط بین ترکیه و مسکو و حتی پخش شدن فیلمی از بستنی خوردن اردوخان و ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در نزدیکی شهر مسکو پایتخت روسیه، حتی تروریست های مسلح نزدیک به اردوخان و ترکیه را نیز نگران کرده است.

رجب طیب اردوخان مدعی شد در صورت عدم حمایت مالی اتحادیه اروپا برای ایجاد منطقه امن پناهندگان در شمال سوریه، دروازه ها را برای مهاجرت پناه جویان به سمت اروپا باز می کند.

به گزارش یورونیوز، رئیس جمهور ترکیه گفت که در حال اسکان یک میلیون پناهنده را در شمال سوریه است اما جامعه بین المللی و اتحادیه اروپا هنوز کمکی نکرده اند و ترکیه نمی تواند بار این مسأله را به تنهایی تقبل کند و اگر این کمک ها انجام نشود راه را برای ورود مهاجرین به اروپا باز می کند.

بنابراین گزارش، اردوخان در یک سخنرانی در انقره گفت: هدف ما این است که حداقل یک میلیون از برادران سوری به منطقه امنی که در امتداد ۴۵۰ کیلومتری مرز ما تشکیل می شود، برگردند. ما می گویم باید منطقه ای امن را ایجاد کنیم تا بتوانیم به جای شهرهائی از چادر، شهرهائی واقعی در این جا بسازیم. بیائید آن ها را به مناطق امن منتقل کنیم. بنابراین گزارش، طبق توافق نامه سال ۲۰۱۶ میان انقره و بروکسل، ترکیه در ازای کمک بیلیون یورویی، موافقت کرد که جریان مهاجران به اروپا را مهار کند.

بنابراین، یک مشکل اساسی اردوخان این جاست که ده ها میلیارد دلار برای توسعه و حفظ منطقه امن لازم است؛ هزینه ای که اردوخان و دولتش توانائی آن را ندارد.

ارتش ترکیه در ۲۰ ژانویه سال ۲۰۱۸، حمله اش علیه کانتون عفرین در کردستان سوریه را آغاز کرد. ارتش ترکیه و حامیان جهادیش بعد از نبردهای سخت با استفاده از تسلیحات سنگین و پشتیبانی نیروی هوائی در ۱۸ مارس شهر عفرین را اشغال نمود.

از مدت ها پیش سیاست دولت ترکیه اشغال کانتون عفرین، یکی از سه کانتون کردهای شمال سوریه بوده است. بعد از دهه ها سرکوب توسط دولت بعث سوریه و در پی آمد شروع جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، کردهای سوریه «منطقه خودگردان روژاوا» متشکل از سه کانتون عفرین، کوبانی و جزیره را در سال ۲۰۱۲ اعلام کردند. تجاوز ترکیه به شمال سوریه، در سال ۲۰۱۶، تحت نام «سپر فرات» و اشغال جرابلس و الباب دو هدف را دنبال می کرد، هم مانع از پیوستن کانتون های عفرین با کوبانی گردد و هم خطوط ارتباطی داعش از سوریه به داخل ترکیه قطع نشود. دولت ترکیه با همدستی روسیه، سوریه و امریکا به اهداف دوگانه اش رسید. حمله ترکیه به عفرین تحت نام «عملیات شاخه زیتون» قصد دارد مردم را از کسب حق تعیین سرنوشت خویش باز دارد.

اما اردوخان با حمله اش به عفرین به اهداف اش دست نیافت. اما، آن چه روشن است این است که رویدادهای اخیر عواقب مهمی هم برای اهداف رجب طیب اردغان خود کامه و هم برای مردم روژاوا دارد.

اما مهم ترین مشکل آن، باز کردن یک جبهه دیگر با نیروهای مدافع خلق روژاوا است. اردوخان به خوبی می داند که با وجود مخالفت امریکا حمله به این منطقه برای ارتش ترکیه آسان نخواهد بود. مرز ترکیه با مناطق کردی شرق فرات طولانی است و حدود ۴۰۰ کیلومتر امتداد دارد که این امر، با وجود اعلام مظلوم عبدی فرمانده کل «نیروهای سوریه

دموکراتیک»، مبنی بر مقابله کامل کردها، امکان باز کردن چنین جبهه ای را برای ترکیه بسیار سخت کرده است به خصوص که اردوخان در بحران های داخلی نیز گرفتار شده است.

بخش مهم دیگر هدف اردوخان از مذاکره با واشنگتن به موضوع اختلافات بر سر خرید اس ۴۰۰ از روسیه باز می گردد که طی ماه های اخیر بر روابط دو کشور سایه انداخته است. خرید اس ۴۰۰ از روسیه علاوه بر این که ضربه بزرگی بر یک پارچگی پیمان امنیتی ناتو بود به دلیل امکان لو دادن اطلاعات تجهیزات مهم نظامی امریکائی برای روس ها (هم چون اطلاعات جنگنده های پیشرفته ای چون اف ۳۵) با مخالفت شدید کاخ سفید مواجه شد تا جایی که امریکا رسماً ترکیه را از برنامه ساخت اف ۳۵ کنار نهاد. با این حال اردوخان هفته گذشته از مذاکره با کاخ سفید برای خرید سامانه پاتریوت خبر داد تا با استفاده از منطق تاجرمنشانه ترمپ در روابط خارجی، اجازه فروش اف ۳۵ به ترکیه را از وی اخذ کند. در همین رابطه پس از دیدار اردوخان با سناتور لیندسی گراهام از سناتورهای نزدیک به ترمپ، گراهام موضوع بازگشت ترکیه به پروژه ساخت جنگنده های اف ۳۵ را مورد تاکید قرار داد.

مداخله جوئی و توسعه طلبی اردوخان به لیبی هم رسیده است. نیروهای «ارتش ملی لیبی»، تحت فرماندهی ژنرال خلیفه حفتر چهارشنبه ۲ اکتوبر ۲۰۱۹ مواضع آماده سازی پهپادهای ترکیه ای در فرودگاه های معینیه و مصراته را منهدم کردند.

به گزارش العربیه، چهارشنبه دوم اکتوبر ۲۰۱۹، ارتش لیبی چهارشنبه اعلام کرد مواضعی را که نیروهایش منهدم کرده اند عبارت از آشیانه هائی بودند که برای آماده سازی پهپادهای ترکیه به کار می رفتند.

ارتش ملی لیبی در ادامه توضیح داد، این مواضع شامل آشیانه هائی اند که برای آماده سازی پهپادهای ترکیه ای و انبارکردن موشک ها در فرودگاه معینیه به کار می رفتند.

ارتش ملی لیبی، در ادامه افزود که توسط جنگنده های نیروی هوائی وابسته به نیروهای مسلح لیبی با این اهداف و تهدیدها مقابله شد.

ارتش لیبی، هم چنین تاکید کرد که این حمله هوائی اهداف خود را با دقت کامل محقق ساخته و تاسیسات به کار رفته در انبارسازی و آماده سازی پهپادها را به میزان ۱۰۰ درصد تخریب کرده است، جنگنده های نیروی هوائی پس از انجام موفقیت آمیز مأموریت هایشان به پایگاه های خود بازگشتند.

شایان ذکر است فرودگاه بین المللی معینیه که در طرابلس پایتخت لیبی واقع است از دو هفته پیش که هدف حمله موشکی قرار گرفته بسته اعلام شد. در حملات موشکی به فرودگاه معینیه تعدادی از غیرنظامیان مجروح شده و علاوه بر تخریب باندها این فرودگاه یک هواپیمای مسافری نیز منهدم شد.

اردوخان علاوه بر عربستان سعودی، با مصر نیز در کشمکش است. چندی پیش و پس از مرگی مرسی در زندان، وزیر خارجه مصر در واکنش به اظهارات رئیس جمهوری ترکیه مبنی بر لزوم محاکمه بین المللی دولت مصر به دلیل «کشته شدن» محمد مرسی، از اردوخان خواست از اظهارنظرهای «غیرمسئولانه» پرهیز کند.

رجب طیب اردوخان، رئیس جمهوری ترکیه، در جریان برگزاری مراسم تشییع و خاک سپاری محمد مرسی در قاهره، مدعی شده بود که رئیس جمهوری پیشین مصر به مرگ طبیعی نمرده و برای روشن ابعاد کشته شده او دولت کنونی مصر باید در دادگاه صالحه بین المللی محاکمه شود.

سامح شکر، وزیر خارجه مصر، با صدور بیانیه ای «تکرار اظهارات غیرمسئولانه» رئیس جمهوری ترکیه را به شدت محکوم کرد.

انقره و قاهره در طول دوران کوتاه ریاست جمهوری محمد مرسی روابط گرم و نزدیکی با یکدیگر داشتند که این روابط پس از سقوط دولت مرسی در سال ۲۰۱۳ میلادی و وقوع کودتای نظامی توسط عبدالفتاح سیسی در مصر رو به تیرگی گذاشته است.

مرسی، نامزد گروه اخوان المسلمین مصر در سال ۲۰۱۱ میلادی با پیروزی در اولین انتخابات برگزار شده پس از سقوط حکومت حسنی مبارک به عنوان رئیس جمهوری مصر انتخاب شد ولی سپس در جریان کودتای ژنرال سیسی، وزیر وقت دفاع و رئیس جمهوری فعلی بازداشت و روانه زندان شد. او حدود سه ماه پیش در جریان محاکمه اش در دادگاهی در قاهره درگذشت.

اردوخان در عرصه سیاست داخلی ترکیه نیز هم چنان بر تشدید سانسور و اختناق تاکید می ورزد. سه سال پس از کودتای ترکیه؛ یورش تازه در ترکیه در مصاف با حامیان فتح الله گولن. اردوخان دستور بازداشت بیش از ۲۰۰ ارتشی دیگر را به اتهام ارتباط با رهبر «جنبش خدمت» ابلاغ کرده است. گولن طراح کودتای نظامی ناکام در سال ۲۰۱۶ معرفی می شود.

اردوخان روز شنبه ۱۴ سپتامبر-۲۳ شهریور، دستور بازداشت بیش از ۲۰۰ سرباز در ترکیه و بخش ترک نشین قبرس (قبرس شمالی) را صادر کرد. خبرگزاری رسمی آناتولی گزارش داد که عملیات ضربتی در ۵۴ شهرستان ترکیه و بخش ترکی قبرس، با بازداشت دست کم ۵۰ سرباز همراه بوده است.

دستگیرشدگان به ارتباط با شبکه فتح الله گولن، رهبر جنبش خدمت (هیزمت) متهم شده اند. گولن که پیش تر از معتمدان و متحدان اردوخان بوده، سال هاست در تبعیدی خودخواسته در امریکا زندگی می کند. رئیس جمهور اسلام گرای ترکیه او را طراح کودتای شکست خورده در سال ۲۰۱۶ می داند و جنبش خدمت را تشکیلاتی تروریستی می خواند. در جریان کودتای «نافرجام» جولای ۲۰۱۶ در ترکیه، ۲۴۹ نفر کشته و دو هزار نفر مجروح شدند.



جنبش خدمت که آموزش و کار را بین مسلمان ها تبلیغ می کند، در ترکیه میلیون ها پیرو دارد. این جنبش در پولیس، دستگاه قضائی و امنیتی و حتی حزب حاکم عدالت و توسعه، طرفداران و وابستگی دارد. دولت ترکیه به بهانه کودتا و پس از شکست آن در سال ۲۰۱۶ هزاران نظامی، دانشگاهی، مأمور پولیس، قاضی، خبرنگار و کنشگر مدنی را به اتهام وابستگی به این جنبش، بازداشت، اخراج یا منفصل خدمت کرده است.

تعداد کارکنان رسمی دولت که پس از کودتا اخراج شده اند نزدیک ۲۰ هزار نفر اعلام شده است. دولت اردوخان پس از کودتا از حدود ۵۰۰ هزار نفر به ظن ارتباط با گولن بازجویی کرده است. موج سوء ظن فروکش نکرده و هنوز ۳۰ هزار نفر در زندان ها به سر می برند. در سومین سالگرد این کودتا، اردوخان اعلام کرد که ۴۴۰۰ مأمور پولیس به دلیل مشارکت در کودتا زندانی هستند.

در ژوئن ۲۰۱۹ نیز فرمانده سابق نیروی هوایی ترکیه و ۱۶ نظامی ارشد ستاد مشترک ارتش به اتهام «تلاش برای سرنگونی دولت قانونی» به ۱۴۱ بار حبس ابد محکوم شدند.

پیش از نیمه شب ۱۵ جولای ۲۰۱۶ گروهی از نظامیان ترکیه با بستن پل های اصلی استانبول، تصرف شبکه های تلویزیونی و محاصره بزرگ ترین فرودگاه کشور را در دست بگیرند. گفته شد که هدف آن ها، سرنگون کردن رجب طیب اردو خان، رئیس جمهوری ترکیه بود اما تلاش آن ها با شکست مواجه شد. به گفته نخست وزیر وقت ترکیه بینالی ایلدیریم، این کودتا توسط بخشی از ارتش ترکیه اجرا شد و در حقیقت تلاشی بود توسط گروهی از نظامیان که تلاش کردند حکومت را در دست بگیرند.

دو سال پیش گروهی از نیروهای ارتش ترکیه پل بسفر در استانبول را مسدود و ساختمان پارلمان ترکیه در انقره را بمباران کردند. تلاش آن ها برای کودتا شکست خورد. اردو خان در قدرت ماند اما ترکیه به شدت تغییر کرد. مردم چه می گویند؟

کارین سنز، گزارشگر شبکه رادیو و تلویزیون دولتی المان در ترکیه دو سال پس از کودتای نافرجام این کشور سری به پل بسفر زده و با تعدادی از شهروندان استانبول گفتگو کرده است. او در گزارش خود می نویسد: «دو سال پیش در چنین روزهایی (۱۵ و ۱۶ جولای) پل بسفر صحنه رویدادی بود که جامعه ترکیه را چند قطبی کرد و تغییری ژرف در این کشور برجای گذاشت.»

یکی از دو زن میان سالی که جای بر دست کنار بسفر نشسته، به خبرنگار المانی می گوید: «هر بار که به پل بسفر نگاه می کنم یاد آن روز می افتم. نباید فراموش کنیم که چه اتفاقی افتاد و گرنه چنین حادثه ای دوباره تکرار می شود. ملت ترکیه قربانی های بسیاری برای این کشور داده است. ما نمی گذاریم این خائن ها کشورمان را ویران کنند.» او نمی گوید که خائن کیست؟ پاسخ این پرسش برای بسیاری از مردم ترکیه روشن نیست.

مردی که با شلوار کوتاه و عینک دودی روی یک نیمکت چند متر آنطرف تر نشسته، علاقه چندانی به صحبت در مورد کودتای نافرجام دو سال پیش ندارد. او اما در نهایت گله می کند که دولت اردو خان تلاش می کند خاطره آن روز را زنده نگه دارد. او می گوید: «هر جا نگاه می کنی نشانی از آن روز می بینی. بله آدم های زیادی کشته شدند. بسیاری هم ضربه روحی خوردند. اما من نگران آن چه هستم که پس از کودتا رخ داد.»

سؤال مهم این است که آیا چگونه طرفداران اردو خان نصف شب خود را به سرعت به پل بسفر رساندند و کودتاگران مسلح را سرکوب کردند بدون این که ترسی از نیروهای مسلح نظامی تا دندان مسلح داشته باشند؟



در یکی از ویدیوهای منتشر شده درباره کودتای «نافرجام» نظامیان ترکیه، که مربوط به منطقه ای نزدیک پل تنگه بسفر در استانبول است، یک سرباز غرق در خون بر زمین افتاده است. کسی که از این صحنه فیلم برداری می کند به زبان ترکی می گوید: «۴ نفر را کشتیم و ما اکنون در کنار پنجمین نفر هستیم، او یک سگ است!!» در این ویدیو، هم چنین در کنار صدای گلوله، صدای افرادی را می شنویم که علاوه بر تکبیر می گویند: «آنان کافر و منافق هستند.» برخی هم جسد سربازی را که ظاهراً جان سپرده است، لگد می کنند. این ویدیو به سرعت در تویتر منتشر شد.

روزنامه «سوزجو» نزدیک به ارتش ترکیه نیز خاطر نشان کرد که گروهی از افراد خشمگین، گردن یک سرباز را در استانبول بریدند. علاوه بر این، صحنه هائی از اقدام مخالفان کودتا در محاصره یک خودروی زرهی منتشر شد که یکی از معترضان پس از بالارفتن از آن خودرو، سربازی را که درون آن نشسته بود لگد زد. کودتای نافرجام گروهی از نظامیان ترکیه، شامگاه جمعه آغاز شد و نزدیکی های صبح به پایان رسید.

حال یک سؤال اساسی این است که چرا و چگونه مظنونان به شرکت در کودتا، نه تنها به سرعت نظامیان تحت تعقیب قرار گرفتند، بلکه از آموزگاران گرفته تا پرستاران نیز بازداشت و بازجویی و زندانی و از کار اخراج شدند؟ حدود ۷۷ هزار نفر به دلیل دست داشتن در این ماجرا بازداشت و زندانی شدند. یکصد هزار نفر کار خود را از دست دادند و حدود ۱۴۰ رسانه تعطیل شدند.

هیچکس تصور نمی کرد که رئیس جمهور ترکیه در شب کودتا از مردم بخواهد که جلوی تانک بایستند. او با یک شبکه تلویزیونی تماس گرفت و پیام داد. پس از آن هزاران نفر جلوی گلوله سربازان ارتش ایستادند و ورق به نفع اردوخان برگشت. پس از این ماجرا، هر کس که از رئیس جمهور ترکیه به دلیل به خطر انداختن جان شهروندان کوچک ترین انتقادی کرد به سرعت بازداشت شد و کار خود را از دست داد. چرا؟ هیچ کس نمی داند!

به خواست اردوخان، نظام ریاست جمهوری به جای نظام پارلمانی حاکم شده و حال رئیس جمهور حرف آخر را می زند. در ادامه بلندپروازی ها و ماجراجویی های خطرناک اردوخان، اصل و بنیان طرح تشکیل منطقه امن در شمال سوریه، باز کردن یک جبهه جدید جنگ در روژآوا با اهداف توسعه طلبی و جنگ طلبی است.

ارتش ترکیه در نهایت سه سال پیش در عملیات موسوم به «سپر فرات» و سپس به فاصله حدود یک سال و نیم پس از آن در یک عملیات دیگر به نام «شاخه زیتون» و با همکاری گروه های تروریستی تحت حمایت خود، چهار هزار کیلومتر از خاک سوریه از جمله شهرهای الباب، اعزاز، جرابلس و عفرین در شمال این کشور را به اشغال در آورد. ترکیه با این اقدام بیش از هر چیزی به دنبال پایان دادن به موجودیت مستقل کنفدرالیسم دموکراتیک در شمال سوریه (روژآوا) برآمده، زیرا منطقه امن موجب می شود تا ارتش ترکیه بقیه سرزمین های روژآوا در محاصره و کنترل خود بگیرد و برای دست یابی به این اهداف جنائی کارانه خود، از حضور پناهجویان عرب سوری در ترکیه سوء استفاده سیاسی می کند و با انتقال این پناهجویان به مناطق به اصطلاح «امن» شمال سوریه، هم این پناهجویان را بی حقوق تر کند و هم بافت جمعیتی منطقه را طبق آمال و آرزوها و خواسته های خود، تغییر دهد.

این اقدامات ترکیه در حالی در جریان است که دولت ترکیه بر اساس مذاکرات آستانه و در قالب ابتکار عمل همکاری منطقه ای با روسیه و ایران، بیانیه های متعددی را مبنی بر لزوم حفظ تمامیت ارضی سوریه و حاکمیت سیاسی دمشق امضاء کرده بود. بنابراین، همراهی و همکاری ترکیه با روسیه و ایران از یک سو و طرح موضوع منطقه امن در شمال سوریه از سوی دیگر به خوبی بیانگر تناقض مواضع انقره در قبال دمشق است و نشان می دهد سیاست ترکیه در قبال آینده سوریه به ویژه منطقه امن با ابهام همراه بود و بسیار خطرناک است.

از سوی دیگر ترکیه در خواست منطقه ای حداقل به عمق ۳۲ کیلومتر و بیش تر، خروج کامل نیروهای مدافع خلق کرد و تخلیه پایگاه های نظامی آنان از منطقه زیست و زندگی خود و نیز جمع آوری سلاح های سنگین امریکائی از آن را خواستار است.

در مقابل امریکا به دنبال تشکیل یک منطقه حائل با عمق ۱۰ کیلومتری و بدون حضور انحصاری نیروهای ترکیه است و علاوه بر این از نظر امریکا حفظ موجودیت روابط خود با روژآوا در جهت منافع اش به مثابه اهرم فشار با رقبایش، نمی خواهد این منافعش در معرض خطر قرار گیرد. بنابراین، همه آگاهان سیاسی منطقه و جهان می دانند که

امریکا نه دلش برای سیستم سیاسی و فرهنگی کنونی روژآوا و نه مردم کرد این منطقه می سوزد. عنصر اصلی برای امریکا و همه طرفین درگیر در جنگ داخلی سوریه، نفوذ و چانه زنی خود در مورد آینده سوریه در جهت منافع شان است.

هم چنان که در ابتدای سال جاری میلادی ترمپ تشکیل منطقه امن در سوریه را پذیرفت و اندکی بعد انقره و واشنگتن بر سر تشکیل مرکز عملیات مشترک به توافق رسیدند و هدف از آن را هماهنگی در خصوص تشکیل منطقه امن در شمال سوریه اعلام کردند؛ توافقی که حاصل سه روز مذاکرات فشرده بود و در این جهت نیز نیروهای نظامی مشترک ترکیه و امریکا، بارها به گشت زنی زمین و هوایی در این منطقه زده اند.

شبکه الاخبار سوریه، ۲۲ شهریور ۱۳۸۹، اعلام کرده بود که ترکیه تحرکات تازه نظامی در شمال سوریه آغاز کرده و از طریق حومه استان ادلب در حال نقل و انتقالات نظامی و وارد کردن تجهیزات نظامی است.

به گزارش شبکه تلویزیونی الاخباریه سوریه، تجهیزات نظامی ترکیه از طریق شهرک کفرلوسین در حومه ادلب در حالی وارد خاک سوریه می شود که هم زمان با آن اقدامات ارتش ترکیه علیه نیروهای سوریه دموکراتیک (قسد) و هم زمان علیه ساکنان مناطق و شهرهای این منطقه افزایش یافته است.

الاخباریه افزود که واشنگتن و انقره و مزدوران تروریستی آنان در تلاش برای مانع تراشی در مسیر راه حل های سیاسی در سوریه هستند و تجاوز ترکیه به خاک سوریه و حمایت آن از تکفیری ها ادامه دارد.

استان ادلب در شمال غربی ترین منطقه سوریه و در همسایگی استان های حلب از شرق، حماه و لاذقیه از جنوب و غرب قرار دارد و از ۵ شهرستان شامل ادلب، معره نعمان، اریحا، جسر الشغور و حارم تشکیل می شود. منطقه ای که آخرین سنگر نیروهای مخالف حکومت سوریه است.



در این شرایط هر چند ترکیه و امریکا با طرح تشکیل منطقه امن در تلاش برای حفظ برکه های خود در سوریه هستند اما پرواضح است که این طرح تا امروز هم چنان با اما و اگرهای زیادی روبه رو است.

به علاوه این منطقه که ترکیه و امریکا به دنبال جدا کردن آن از روژآوا و سوریه هستند، ذخایر نفت و گاز سوریه را در خود جا داده و حاصل خیزترین زمین های روژآوا به شمار می آید.

هنگامی که به سیاست های دولت ترکیه و در راس آن رجب طیب اردوخان طی چندین سال گذشته با دقت بیش تری نگریسته و حوزه نفوذ وسیع آن را بسیار گسترده و وسیع و فراتر از مرزهای کنونی ترکیه است به طوری که ناخودآگاه دوران اقتدار امپراطوری عثمانی تداعی می شود. از این رو، سیاست های حزب عدالت و توسعه اسلامی حاکم را می توان در قالب سه مولفه کلان برجسته کرد: ۱- میراث نوعثمانیسم؛ ۲- اقتدار، تحت مفهوم نوعثمانیسم با لشکرکشی به سوریه و فکر اشغال بخشی هائی از این کشور از جمله اشغال کانتون عفرین در روژآوا؛ ۳- میراث اسلامی آن در داخل و خارج.

با این وجود، نوعثمانیسم ترکی در خاورمیانه و و هم چنین به دنبال برقرار کردن یک نظام حقوقی اسلامی - سلطانی در ترکیه مدرن است. با اتکا به همین ابزار کهنه نوعثمانیسم، انقره سعی دارد نفوذ سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و فرهنگی بیش تری در قلمروهای پیشین امپراطوری عثمانی مانند خاورمیانه، شمال آفریقا و شبه جزیره بالکان و همین طور سایر مناطقی که ترکیه در آن منافع دارد، دست و پا کند. اتخاذ چنین سیاستی از سوی حزب عدالت و توسعه اسلامی، در حالی که جنگ طلبانه و تشنج زاست در عین حال ماجرائی بسیار خطرناک برای کل جامعه ترکیه است!

از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در اواخر سال ۲۰۰۲، نخست سیاست خارجی ترکیه همسایگان به نقطه صفر برگردد و سیاست استراتژیک هم زیستی مسالمت آمیز با همسایگان بوده است. و در سیاست داخلی نیز به رسمیت شناختن حقوق اقلیت ها، به ویژه حق و حقوق و آزادی های مردم کرد است. اساس این سیاست توسط داوود اغلو نخست وزیر سابق ترکیه فرموله شده بود. استدلال اصلی داوود اغلو این بوده که ترکیه قدرت بزرگی است که وابستگی های تاریخی و فرهنگی و هم چنین روابط دیپلماتیک، اقتصادی و سیاسی خود با مناطق همجوار در خاورمیانه، شمال آفریقا و راو آسیا را تا حدی به دلیل گرایش شدید به غرب، فراموش کرده است، سیاست مشکل صفر به جای اتخاذ رویکرد امنیتی که اغلب منجر به تقابل با همسایگانی مثل یونان، عراق، قبرس، سوریه و ایران می شد، طرفدار استراتژی اعتماد به نفس بیش تر برای تعامل دیپلماتیک با محیط پیرامونی ترکیه است. اردوخان و داوود اغلو از سوی دیگر، به دنبال بازیابی میراث امپراطوری عثمانی و ایجاد وفاق بین گروه های مختلف داخلی با هویت های غربی، اسلامی، سکولار، کرد و ترک بودند. تاکید آن ها بر میراث عثمانی، جزئی از نقشه اسلامی سازی ترکیه و سیاست خارجی ترکیه بود و هم تلاشی در راستای گسترش و متوازن کردن افق های ژئواستراتژیک کشوری است که دهه ها به شدت متمایل به دنبال کردن یک مسیر منحصر ا غریبی بود. آن ها بنای اقتصاد رو به رشد، ظرفیت های صادرات و کار آفرین ترکیه را نیز در چهارچوب اهداف نوعثمانیسم شان، رویکرد به خاورمیانه و شمال آفریقا بود. در دوران تصدی حزب عدالت و توسعه، صادرات ترکیه به خاورمیانه و شمال آفریقا به بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است. در تجزیه و تحلیل رویکرد حزب عدالت و توسعه نسبت به اعراب که قسمت عمده به اصطلاح «جهان اسلام» را تشکیل می دهند، نباید این جنبه سیاست خارجی توسعه طلبی و دخالت گری و سهم خواهی ترکیه، نادیده گرفته شود. از سوئی نباید فراموش کرد که صادرات ترکیه به اتحادیه اروپا هنوز بخش اعظمی از کل ظرفیت صادراتی ترکیه را تشکیل می دهد. با این وجود، سهم اتحادیه اروپا از کالاهای ترکیه ای در طول ۱۰ سال گذشته افزایش نیافته است. در واقع طی دو سال گذشته و به دلیل بحران اقتصادی در اروپا، این مقادیر کاهش نیز یافته است. این دیدگاه استراتژیک و فرهنگ نوعثمانیسم با اتکا بر این که ترکیه به عنوان یک کشور کلیدی و مرکزی باید نقش بسیار فعال دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی در منطقه وسیع پیرامونش ایفا کند، گستره جغرافیائی امپراطوری های عثمانی و بیزانس را منعکس می کند. چنین جاه طلبی های بزرگی به نوبه خود نیازمند داشتن دیدی استراتژیک در کنار آمدن با هویت های چندگانه فرهنگی درون ترکیه است. به همین دلیل این سیاست در چند سال نخست حاکمیت حزب عدالت و توسعه هم در عرصه اقتصادی و هم در عرصه سیاسی، شایان توجه بود. رشد اقتصادی ترکیه و کذاکره با مردم کرد و نماینده آن اوجالان در زندان، شاخص ها مهم این تحولات بودند.

با این وجود، منتقدین سکولار حزب عدالت و توسعه بر این نکته پافشاری کردند که متمایل شدن ترکیه به خاورمیانه، نوعی کنار گذاشتن تمایلات و گرایش های غربی جمهوری ترکیه است. نهایت سیاست های سابق ترکیه به مرور تنش هائی بین اتحادیه اروپا و حتی امریکا، یعنی متحدان سابق ترکیه به وجود آورد به خصوص با آغاز جنگ داخلی سوریه و سیاست ها و دخالت توسعه طلبانه و اشغالگری دولت ترکیه، سبب شد که روابط دیپلماتیک ترکیه در سطح

بین‌المللی و منطقه‌ای رو به وخامت بگذارد و در سایت داخلی نیز همان سسیسات شناخته شده و ساسنور و اختناق شدید و سرکوب مردم کرد و همه نیروهای منتقد و مخالف در راس برنامه‌ها و طرح‌های حزب حاکم عدالت و توسعه و رهبر آن اردوخان قرار گیرد. در واقع به دنبال رویکرد جدید حزب عدالت و توسعه به اسلامیزه کردن جامعه ترکیه و روابط با جهان غرب و منطقه نیز دچار تحولات تنش‌زا شد.

با توجه به این که کمالیست‌ها علاقه‌های به امت‌های مسلمان نداشته و به سیاست‌مداران محافظه‌کار اسلامی مانند اردوخان نیز اعتمادی ندارند، ارتش را به عنوان سنگر اصلی خود در مقابل اسلام سیاسی می‌دیدند. بنابراین، در این هفده سال گذشته حاکمیت حزب عدالت و توسعه اسلامی، یک وجه سیاست داخلی آن معطوف با پاکسازی ارتش و سایر نیروهای امنیتی و انتظامی بود. این روند در اصل پایان ماجرای کمالیسم و غرب‌گرایی بود.

باید تاکید کرد که تراژدی سوریه و ظهور کنفدرالیسم دموکراتیک در روژآوا و در قلب خاورمیانه سیاه، به روشنی محدودیت‌های نفوذ ترکیه و افکار توسعه‌طلبانه نعثمانیسم اردوخان و دولت و ارتش ترکیه را بیش از پیش به نمایش گذاشته است. در این هشت سال، ترکیه توان تغییر دادن دولت بشار اسد را نداشته است و این امر با توجه به این که اردوخان تصور می‌کرد رابطه‌ای برادرانه و تاثیر با رئیس‌جمهور سوریه دارد، موجب عصبانیت شخصی او نیز شده است. همان‌طور که گفته شد، بخش عمده سیاست‌های ترکیه در قبال سوریه، از یک حس تاریخی نشأت می‌گیرد و آن را می‌توان با ترکیبی از نعثمانیسم، کمالیسم و اسلام‌یسم ترکی تفسیر کرد.

اکنون به جرات می‌توان گفت که ترکیه شدیداً دچار بحران اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دیپلماتیک شده است و برون‌رفت‌ای این بحران دیگر با رهبری اردوخان و حاکمیت حزب عدالت و توسعه و موثلف آن حزب «حرکت ملی»، یعنی با ائتلاف گرایش‌های اسلامی - فاشیستی امکان‌پذیر نیست و به همین دلایل، جامعه ترکیه نیاز به یک جراحی عمیق و همه‌جانبه سیاسی و فرهنگی عمیق دارد.

اکنون اردوخان درمانده و از همه جا رانده شده، تنها بر عزم و اراده حاکمیتش برای رسیدن به بالاترین سطوح تولید صنایع نظامی با توانمندی‌های داخلی تاکید دارد.

به تازه‌گی اردوخان ادعا کرده است که ترکیه به یکی از ۱۰ کشور جهان تبدیل شده است که کشتی‌های جنگی خود را با امکانات داخلی تولید می‌کند.

او در ادامه سیاست‌ها مالی‌خولیائی خود خطاب به رقبایش، افزوده است: «از آن جایی که آن‌ها غول خفته را بیدار کردند، پس باید عواقبش را هم بپذیرند. ما جنگنده ملی خود را خواهیم ساخت همان‌طور که ماهواره‌ها و پهپادهای مجهز به سلاح خود را توسعه دادیم و نسبت به رسیدن به بالاترین سطوح امکانات ملی در زمینه فناوری تجهیزات دریائی، موشک‌ها، سیستم‌های الکترونیکی و توپخانه‌های دریائی مصمم هستیم.»

اردوخان می‌گوید: «همان‌طور که پهپادها، پهپادهای مسلح و ماهواره‌های ملی خود را توسعه داده و به پرواز درآوردیم، انشاءالله جنگنده ملی خود را نیز خواهیم ساخت.»

در واقع در حال حاضر بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کارت بازی نه تنها حکومت ترکیه، بلکه حکومت روسیه و حکومت اسلامی ایران هم با رقبای منطقه‌ای و جهانی‌شان است.

نماینده ویژه ملل متحد در امور سوریه گفته تشکیل کمیته‌ای برای پیش‌نویس قانون اساسی جدید سوریه «نشانه‌ای از امید برای پایان دادن به درد و رنج مردم سوریه است»؛ هرچند این موضوع در صورتی حائز اهمیت خواهد بود که این اقدامات نتیجه بخش باشد.

گیر پدرسون، نماینده سازمان ملل، هشتم مهر ماه در نشست شورای امنیت این سازمان، در حاشیه مجمع عمومی در نیویورک، تاکید کرده کمیته قانون اساسی به تنهایی قادر به حل مشکلات و پایان نبردها نیست.

پدرسون افزوده اقدامی عملی برای پایان دادن به درگیری ها و برپائی یک آتش بس سراسری «امری قطعا حیاتی ست.»

نماینده ویژه سازمان ملل با این حال افزوده است توافق دولت و مخالفان برای تشکیل کمیته ۱۵۰ نفره یک اقدام چشم گیر است، چراکه این «نخستین توافق سیاسی مشخص» بین طرف ها به شمار می رود.

گیر پدرسون می گوید این توافق می تواند «راه گشای یک روند سیاسی گسترده باشد» که ممکن است در نهایت «به اهداف مشروع مردم سوریه دست یابد.»

نماینده ملل متحد در امور سوریه یادآوری کرده که این کشور هم چنان با بحرانی جدی روبهرو است: از ادامه خشونت ها و تروریسم تا حضور ارتش ها و عوامل خارجی، جامعه ای شدیداً قطبی شده و ناامیدی عمیق در میان مردمش، چه آن ها که هنوز ساکن سوریه اند و چه آن ها که آواره شده و گریخته اند.

بنا بر توافقی که مدت ها به تعویق افتاده بود، کمیته پیش نویس قانون اساسی جدید سوریه با یک پنل ۱۵۰ نفره تشکیل می شود. از این ۱۵۰ عضو پنجاه نفر از طرف دولت، پنجاه نماینده از سوی مخالفان دولت بشار اسد و پنجاه نماینده نیز از سوی جامعه مدنی تعیین می شوند. یک گروه ۴۵ نفره، ۱۵ نفر از سوی دولت، مخالفان و جامعه مدنی، نیز هسته کمیته را تشکیل خواهد داد.

گیر پدرسون گفته تشکیل گروه ۵۰ نفره از جامعه مدنی سوریه با مشکلات مختلفی همراه بود، و آن ها اعضای جوامع مذهبی، قومی و جغرافیائی مختلف هستند. برخی از این افراد ساکن سوریه هستند، و برخی خارج از کشور به سر می برند.

تقریباً نیمی از گروه ۵۰ نفره جامعه مدنی را زنان تشکیل می دهند. زنان در حدود ۳۰ درصد کل کمیته پیش نویس قانون اساسی را تشکیل می دهند.

اکنون بحران انسانی در استان ادلب، واپسین پایگاه مخالفان سوری، و یا گروه های تروریستی که دولت ترکیه حامی سرسخت آن هاست در جریان است.

سؤال این جاست که آیا همه دولت ها و گروه هائی که تاکنون در جنگ هشت ساله سوریه دخیل بودند و این کشور را با همه شهروندان و سایر موجودات زنده و محیط زیست به نابودی کشانده اند اکنون خسته شده اند و قصد خاتمه آن ار دارند؟

دست کم دولت ترکیه نشان با طرح پروژه های جنگی، عملاً نشان می دهد که از جنگ و کشتار و ریختن خود مردم کرد، هنوز خسته نشده است. اساس عملیات ترکیه، به «یگان های مدافع خلق» (PYD) را هدف گرفته است. ترکیه از موضع سیاست های اسلامی - فاشیستی، کنفدرالیسم دموکراتیک و خودگردان روژآوا را برای خود خطرناک ارزیابی کرده و به همین دلیل، یگان های مدافع خلق روژآوا و به طور کلی نیروهای سوری دمکراتیک را نیروهای «تروریستی» می داند. آن هم در حالی که دولت ترکیه در نه سال جنگ داخلی سوریه از گروه های تروریستی هم چون داعش، ارتش آزاد سوریه، احرار الشام و... حمایت کرده است از این رو، ارتش ترکیه نیز با تجاوز به خاک سوریه، آشکارا مرتکب تروریسم دولتی و جنایت علیه بشریت شده است.

دولت ترکیه در توجیه عملیات نظامی خود در منطقه شمال غرب سوریه توجیهاات خاص خود را دارد از جمله این که:

۱- پاك سازى منطقه اى به شعاع ۳۰ كيلومتر از مرز خود با سوريه؛ ۲- جلوگيرى از تشكيل يك كرپور كردى و تثبيت دستاوردهاى عمليات پيشين «سپر فرات»؛ ۳- ممانعت از قطع شدن دسترسى مستقيم و مرز مستقيم تركيه با سوريه از سوى كردها؛ ۴- ايجاد زمينه و مكاني مناسب براى بازگرداندن و استقرار صدها هزار پناهجوى سوري كه به تركيه گريخته اند؛ ۵- جلوگيرى از مسير نفوذ شبه نظاميان پ.ك.ك به داخل خاك تركيه و جلوگيرى از يك پارچگى؛ ۶- ايجاد امنيت در مرز تركيه و سوريه آن طور كه منافع حكومت تركيه اقتضا مى كند و ۷-...

غالب كشورهاي جهان در موضع گيرى هاي خود به اين بسنده كرده اند كه از دولت آنكارا بخواهند با حفظ «خويشتندارى» و با اتمام سريع عمليات نظامى از تشديد بيش تر بي ثباتى در منطقه پرآشوب خاورميانه جلوگيرى كند. در مقابل اين جنگ طلبى تركيه، رهبران سياسى - نظامى روژاوا از يك سو به عدم درگيرى و زندگى مسالمت آميز با تركيه تاكيد دارند و از سوى ديگر، گفته اند كه در مقابل حملات تركيه ساكت نخواهند نشست.

ژنرال مظلوم كوبانى فرمانده ارتش دموكراتيك سوريه، معتقد است حمله تركيه به مناطق تحت كنترول كردهاى سوريه عاقلانه نيست. اين اقدام جنگ بسيار بزرگ و دراز مدتى در امتداد ۶۰ كيلومتر مرز دو كشور در پى خواهد داشت، اما كردها براى مبارزه آماده اند.

منطقه خودگردان تحت كنترول مبارزان كرد در شمال و شرق سوريه، كه با نام «روژاوا» شناخته مى شود، از درگيرى هاي هشت ساله سوريه و نبرد خونين مبارزان كرد با نيروى مخوف دولت اسلامى عراق و شام (داعش)، كه بخش بزرگى از منطقه عراق و سوريه را به تصرف خود در آورده بود، با افتخار و سربلندى بيرون آمده است.

در اين درگيرى ها، مظلوم كوبانى فرمانده قوى و تسليم ناپذير ارتش دموكراتيك سوريه، به عنوان يكي از رهبران كليدى مبارزه با داعش، به شهرت بين المللى رسيده است.

كوبانى با نام «شاهين چلو» نيز شناخته مى شود. با توجه به تحولات اخير سوريه كه احتمال حمله نظامى تركيه به روژاوا را مطرح مى كند، ارگون باباخان از پايگاه خبرى - تحليلى احوال در اواخر خرداد ماه سال جارى، درباره وضعيت فعلى و آينده بحران با كوبانى گفتگو كرده است.

كوبانى گفت: «ديگر جامعه اى به نام سوريه باقى نمانده است. داعش اين كشور را ويران كرد و عرب ها نابود شدند.» كوبانى درباره تهديد جدى حمله نظامى تركيه به كردستان سوريه، اجازه نمى دهد خوش بينى بر واقع گرائى چيره شود. وي گفت: «ايلات متحده شريك استراتژيك تركيه است. اين كشور با ما تنها يك شراكت تاكتيكى براى شكست داعش دارد.» با وجود اين كوبانى افزود تركيه نمى تواند انتظار داشته باشد عمليات موقفيت آميز خود را عليه كردها در منطقه محصور عفرين در شمال غربى سوريه كه سال گذشته انجام داد، تكرر كند.

كوبانى گفت: «عفرين و مناطق شرق رودخانه فرات به هيچ وجه مانند هم نيستند. امكان ندارد آن چه در عفرين روى داد اين جا نيز اتفاق بيفتد.»

وي گفت اين بدان معنا است كه اگر ايلات متحده در مقابل خواست تركيه تسليم شود و اجازه انجام عمليات را به تركيه بدهد، ارتش دموكراتيك سوريه با همه توان و امكانات خود پاسخ خواهد داد بدون توجه به اين كه تركيه به كجا حمله مى كند.

با وجود ۶۰۰ كيلومتر مرز (در حال حاضر) بين دو طرف، دورنماى چنين جنگى سهمناك خواهد بود؛ كوبانى گفت: «جنگ از منبج (در شمال سوريه) تا ادلب (استان تحت كنترول شورشيان در غرب سوريه) نيز جريان خواهد داشت. ما همه را از تصميم خود آگاه كرده ايم، امريكا اين را مى داند و تركيه نيز اطلاع دارد.» وي افزود اين يعنى آغاز جنگ داخلى دوم در سوريه.

کوبانی گفت: «ترکیه می خواهد مرز را به نقطه ای برساند که خود می خواهد و مراکزی را (در مناطق شمالی سوریه هم مرز با ترکیه) به کنترل خود در آورد. در این صورت جنگی در می گیرد که پایانی ندارد تا وقتی که ترکیه به طور کامل خارج شود.»

او گفت نتیجه این اقدام عقب کشیدن مبارزان از نبرد مشترک با داعش است؛ وضعیتی که شدیداً به عملیات آسیب می زند و خطر سر بر آوردن مجدد گروه های افراط گرای تروریستی را افزایش می دهد.



ژنرال کوبانی گفت: «مبارزه با داعش هم چنان، عمدتاً در دیرالزور و رقه، ادامه دارد. اگر ترکیه حمله کند نبرد متوقف خواهد شد و داعش قدرت خواهد گرفت. حکومت (مرکزی سوریه) وارد این مناطق خواهد شد. ایالات متحده این را نمی خواهد و به همین خاطر فشار زیادی روی ترکیه است، زیرا ممکن است عملیات در جریان را تحت تأثیر قرار دهد.»

او گفت: «ما مبارزه خواهیم کرد و این جنگ، جنگ بزرگی خواهد بود. ما برای جنگ آماده ایم. ترکیه به مدت چند هفته ما را تحت فشار قرار خواهد داد و اقدامات تحریک آمیزی انجام خواهد داد، اما من احتمال تجاوز نظامی را اندک می بینم. اگر (رئیس جمهور ترکیه رجب طیب) اردو خان جنگ را آغاز کند، اشتباه بزرگی مرتکب خواهد شد... این جنگ آن گونه که وی فکر می کند پیش نخواهد رفت.»

نیروهای ترکیه در امتداد مرز مستقر شده اند، اما در طرف دیگر نیز ارتش دموکراتیک سوریه مواضع خود را تقویت کرده و اقدام به احداث استحکامات و حفر خندق و تونل های دفاعی کرده است. کوبانی گفت تنش چشم گیری بر فضا حاکم است و چنین احساس می شود که یک جرقه کل منطقه را شعله ور خواهد کرد.

با وجود این، کوبانی با دیدگاه های عبدالله اوجالان رهبر در بند PKK درباره حل و فصل اختلافات هم با ترکیه و هم با سوریه موافق است و بر لزوم دیالوگ صلح آمیز با ترکیه تأکید می کند.

کوبانی گفت: «در هر صورت، وقتی پای مذاکره با دمشق به میان بیاید، ابتکار عمل ۱۰۰ درصد در دست ما است.» او افزود این بدان معنی است که گروه های کرد بر خواست خود برای اداره خودگردان مناطق تحت کنترل خود و حمایت از ارتش دموکراتیک سوریه با فشاری خواهند کرد.

کوبانی گفت حکومت اسد تلاش می کند در ادلب از حمایت ارتش دموکراتیک سوریه برخوردار شود، «اما ما کاری در ادلب نداریم. تنها هدف ما عفرین است.»

ژنرال کرد گفت عملیات عفرین که با موافقت مسکو و پس از خروج نیروهای ناظر روسی در ژانویه ۲۰۱۸ انجام شد، به روابط با روسیه پایان داد، «اما روسیه قدرت بزرگی است و نقش مهمی در حل و فصل بحران بازی می کند.»

او گفت: «تنش با ایران (بر ما) تأثیر دارد اما ما کاری می کنیم که منافع مان اقتضا می کند. ما برای منافع دیگران عمل نمی کنیم... ما همواره گفته ایم مناطق خودمان را داریم و به کسی حمله نمی کنیم که به ما حمله نمی کند.» (منبع:

مصاحبه از: ارگون باباخان؛ منبع: پایگاه خبری - تحلیلی احوال؛ ترجمه: خبرگزاری کردپرس - سرویس ترکیه)

در عین حال، نیروهای روژآوا موافقتند که اول این که منطقه امن باید حداقل شهر کوبانی و شهر گری سپی و طول آن ۶۵ کیلومتر و عمق آن ۵ کیلومتر باشد. هم چنین بخش دیگر آن از شهر گری سپی تا شهر سریکانی به طول ۱۰۰ کیلومتر و عمق ۵ کیلومتر این منطقه امن ایجاد شود که با این وصف شهرهای دربسیه، عامودا، قامیشلو، رمیلان و دیرک را شامل نمی شود. دوم سرپرستی این منطقه امن را نیروهای بین المللی بر عهده بگیرند و مدیریت آن با ترکیه نباشد اما اگر بخشی از نیروهای ترکیه در این ائتلاف حضور داشته باشند، مشکلی ندارد. سوم نباید هیچ کدام از گروه های مسلح تحت فرمان ترکیه در اطراف این منطقه حضور داشته باشند. چهارم، نیروهای سوریه دموکراتیک در درون شهرهای منطقه آرام حضور داشته باشند و نیروهای بین المللی در بیرون از شهرها به مأموریت خود برسند. پنجم، ارتش ترکیه و گروه های تندرو از عفرین خارج شوند و مردم به خانه های خود برگردند.

برخلاف کردها و ترک ها، امریکا صورت دیگری از منطقه امن را مد نظر دارد. ابتدا مسافت این منطقه از شهر دیرک تا شهر کوبانی و به عمق ۵ کیلومتر باشد. دوم، کردها سلاح های سنگین را از این منطقه خارج کنند. سوم، نیروئی از مردم منطقه تشکیل شود که سرپرستی آن بر عهده نیروهای بین المللی و ائتلاف عربی با حضور کشورهایمانند امارت و عربستان سعودی باشد.

در سطحی دیگر، هم چنان تهدیدات ترکیه همانند گذشته پیرامون ایجاد منطقه امن و نابودی کردها در شمال سوریه ادامه دارد. این تهدیدات در شرایطی است که نمایندگان امریکا و ترکیه، طی ماه های گذشته ساعت ها با یکدیگر مذاکره کرده و حتی اخباری مثبتی بر توافق آن ها منتشر شده است. در همین زمینه، از جمله مولود چاووش اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه در اظهاراتی در ماه آگوست سال جاری با اشاره به توافقات به روند تاسیس منطقه امن در شمال سوریه توسط نیروهای امریکا - ترکیه عنوان کرد: «منطقه امن جدیدی که در دستور کار قرار گرفته است مانند منبج نخواهد بود. ما در منطقه راحتی زندگی نمی کنیم. رفتار دوگانه و دو رونی در مبارزه با ترور را همه مشاهده می کنند. ما با هر نوع ترور مبارزه می کنیم. در سوریه از یک طرف به مبارزه با ترور پرداخته و از طرف دیگر به همراه امریکا در تلاش برای از میان برداشتن کریدور ترور از آنجا و جایگزین کردن کریدور صلح و منطقه امن هستیم.»

در اظهارتی دیگر، خلوصی آکار وزیر دفاع ترکیه با اشاره به تداوم مذاکرات پیرامون تاسیس منطقه امن در شمال سوریه با امریکا عنوان کرد: «هئیت امریکائی در ۵ آگوست به ترکیه آمده و مذاکرات هم چنان ادامه دارد. در این مذاکرات علاوه بر تاکید بر تداوم مبارزات ما با گروه های تروریستی داعش و YPG، از طرف های امریکائی تاسیس منطقه امن در شمال سوریه را مطالبه کردیم.»

عمر چلیک، سخنگوی حزب عدالت و توسعه نیز در اظهاراتی با اشاره به حمله احتمالی ارتش ترکیه به شرق فرات در شمال سوریه گفت: «زمان برای اقدام در خصوص شرق فرات در راستای امنیت ملی کشورمان بی نهایت نزدیک شده است.»

هم چنین، دولت باغچلی، رئیس حزب حرکت ملی ترکیه (MHP) که یک حزب با سابقه و نژادپرست ترکیه است در اظهاراتی با اشاره به توافق ترکیه - امریکا پیرامون تاسیس منطقه امن در منطقه شرق فرات در شمال سوریه عنوان کرد: «کنترل تمام منطقه امن باید در دست ترکیه باشد؛ ما به دهان امریکا نگاه نمی کنیم.»

مذاکرات میان امریکا و ترکیه برای توافق پیرامون مدیریت شمال سوریه در شرایطی انجام می گیرد که از منظر حقوق بین الملل به صورت واضح این کشورها حاکمیت ملی سوریه را نقض می کنند. در همین ارتباط، یک مقام سوری از وزارت امور خارجه این کشور در گفتگو با تلویزیون رسمی دولت سوریه (سانا) عنوان کرده است: «توافق نامه بر خلاف قوانین بین المللی و شروط سازمان ملل متحد است. از جوامع بین المللی و کشورهای عضو سازمان ملل متحد

درخواست می‌کنیم تا این توافق را که صلح و امنیت منطقه را تهدید می‌کند محکوم کنند. این توافق به صورت آشکار حمله به حاکمیت سوریه و اقدامی بر خلاف اتحاد این کشور است. اقدام برای ایجاد منطقه امن در شمال سوریه تلاش‌های مثبت برای حل بحران سوریه را نیز تحت شعاع خود قرار داده است.»

اقدامات ترکیه در مقطع کنونی برای اشغال بخشی از محدود سرزمینی سوریه را می‌توان نماد بارز اشغال‌گری و دخالت در محدود حاکمیت ملی یک کشور مستقل ارزیابی نمود. در حقیقت، به نظر می‌رسد اقدام انقره در مسیر تعهد به نقشه و خواست ترک‌ها در «میثاق ملی» است.

بر اساس «میثاق ملی» مصوبه مجلس امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۰، در عراق حدود ۶ استان کنونی، دهوک، اربیل، حلبچه، سلیمانیه، موصل و کرکوک، در سوریه بخش‌هایی از استان‌های حلب، ادلب، رقه و دیر الزور و هم‌چنین بخش‌هایی از دیگر همسایگان ترکیه یعنی بلغارستان، یونان، گرجستان، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و حتی ایران شامل شهرستان‌های ماکو و چالدران در شمال استان آذربایجان غربی، بخشی از محدوده کشور جدید ترکیه خواهد بود که البته در پیمان لوزان در سال ۱۹۲۳ کشور ترکیه در مرزهای کنونی موجودیت پیدا کرد.

با این وجود، طی دهه‌های اخیر، هم‌چنان سران ملی - مذهبی ترکیه، سودای بازگشت به این میثاق را در سر داشته‌اند و اکنون نیز به نظر می‌رسد می‌خواهند کریدور عفرین، قامیشلی و سنگال را برای اشغال دائمی خود در بیاورند. به هر حال چالش کردستان سوریه یا کردستان غربی معروف به روژاوا، یب تردید مسأله بعدی خاورمیانه خواهد بود که منطقه را در بحران خود فرو خواهد برد و نیروهای سیاسی - نظامی روژاوا و حتی کشورهای منطقه باید بسیار هوشیارانه با این چالش روبرو شوند.

در هر حال، اکنون به نظر می‌رسد حزب اردغان در حال فروپاشی و بیکه‌هازی و قدرقدرتی او نیز در حال افول است. مدت‌هاست که خبرهایی از شکاف و اختلاف بین سران حزب حاکم عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوخان شنیده می‌شد اما اکنون با استعفای داوود اوغلو نخست‌وزیر سابق ترکیه از این حزب، به نظر می‌رسد فروپاشی و تضعیف حزب عدالت و توسعه اسلامی آغاز شده است.

احمد داوود اوغلو وزیر خارجه سابق ترکیه روز جمعه ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۹ اعلام کرد، از حزب «عدالت و توسعه» استعفا داد. داوود اوغلو در یک توییت نوشت: «این ارزش‌هایی است که رهبران حزب عدالت و توسعه خواهان صدور آن هستند. ما به مواضع خود و به چیزی که گفته‌ایم پایبندیم.»

این سخنان داوود اوغلو اشاره‌ای است به اظهارات انتقادآمیز چند هفته پیش او از حزب عدالت و توسعه است که به فراخواندن او به کمیته انضباطی حزب منجر شد.

داوود اوغلو در اظهاراتش از رجب طیب اردوخان و سیاست‌هایش در رهبری حزب عدالت و توسعه به شدت انتقاد کرده بود. پس از اظهارات انتقادی احمد داوود اوغلو از رجب طیب اردوخان کمیته مرکزی حزب عدالت و توسعه، او و دو تن از نمایندگان پارلمان را به کمیته انضباطی فراخواند.

فراخواندن احمد داوود اوغلو به کمیته انضباطی از سوی کمیته مرکزی، مقدمه‌ای برای استعفای او از حزب عدالت و توسعه شد.

اوغلو در نطق استعفایش گفت: «در حزب عدالت امکان محقق کردن اهداف مان وجود نداشت. یک حرکت جدید سیاسی را تاسیس خواهیم کرد.»

پیش تر رویترز اعلام کرد، یک مقام ترک که خواست نامش فاش نشود، گفت که کمیته مرکزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه در نشست خواستار اخراج «احمد داوود اوغلو» نخست وزیر پیشین ترکیه و «ایهان صفر اوستان»، «سلوک اوزداگ» و «عبدالله باسکی» سه نفر از نمایندگان پارلمان این کشور از این حزب شده است. چند ماه است که احمد داوود اوغلو انتقاداتی شدید و جدی در داخل حزب علیه رجب طیب اردو خان رفیق راه سیاسی اش را رهبری می کند. او از اوضاعی که باعث شکست حزب عدالت در انتخابات استانبول شد به شدت ناراضی بود.

عبدالله گل، داوود اوغلو و علی باباجان، سیاستمداران و مقامات عالی رتبه پیشین ترکیه، قرار است حزب جدیدی تاسیس کنند. پس از آشکار شدن اختلافات درونی در حزب حاکم «عدالت و توسعه» تاسیس حزب جدید به نظر ناظران سیاسی حتمی می رسد.



روزنامه «حریت» ترکیه گزارش داده است که در روز دوشنبه ۱۸ شهریور - ۹ سپتامبر، پس از تقریباً پنج ساعت بحث و گفتگو در میان اعضای رهبری حزب عدالت و توسعه به ریاست اردو خان، رئیس جمهوری ترکیه، تصمیم گرفته شد که داوود اوغلو، نخست وزیر سابق این کشور، از حزب اخراج شود.

داوود اوغلو اخیراً از حزب عدالت و توسعه انتقاد کرده بود که از اصول و اهداف اصلی خود دور شده است. او از تصمیم اردو خان مبنی بر لغو انتخابات شهرداری استانبول در مارس سال جاری در استانبول هم قبلاً انتقاد کرده بود. حزب عدالت و توسعه در انتخابات شهرداری از رقیب خود شکست خورد. نخست وزیر پیشین ترکیه از برکناری چند شهردار کرد در شرق ترکیه نیز به شدت انتقاد کرده بود.

بسیاری از مقامات ارشد حزب حاکم از جمله عبدالله گل، رئیس جمهور پیشین ترکیه، و علی باباجان، معاون نخست وزیر سابق این کشور، که هر دو از بنیان گذاران حزب عدالت و توسعه بوده اند نیز این حزب را ترک کرده اند.

باباجان که در گذشته وزیر اقتصاد ترکیه هم بوده یکی از منتقدان برنامه های اقتصادی رجب طیب اردو خان، رئیس جمهوری ترکیه است. او در درون حزب عدالت و توسعه ترکیه به جناح لیبرال و موافق اتحادیه اروپا تعلق داشت.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از استانبول نوشته است که حزب حاکم ترکیه در حال فروپاشی است. با خروج یکی از بنیان گذاران قدیمی حزب عدالت و توسعه، تنش های درون حزبی اکنون برای همگان آشکار شده است.

علی باباجان، معاون نخست وزیر و وزیر پیشین اقتصاد، روز دوشنبه ۱۸ شهریور - ۹ سپتامبر، اعلام کرد که به دلیل «اختلافات عمیق» بین سیاست رجب طیب اردو خان و «اصول، ارزش ها و ایده های» خود حزبش را ترک کرده است.

خبرگزاری فرانسه در گزارش خود، هم چنین تاکید کرده است که حزب عدالت و توسعه در سال های نخست فعالیت خود برای اصلاحات سیاسی و اقتصادی تلاش کرده و پس از به دست گرفتن دولت در سال ۲۰۰۲ موفق شد اقتصاد ترکیه را از بحران خارج و به مسیر رشد اقتصادی هدایت کند.

اما از زمان اعتراضات «گری پارک» در سال ۲۰۱۳ اوضاع فرق کرده است. اردو خان دیگر تحمل انتقادها را نداشته و بعد از کودتای نافرجام در سال ۲۰۱۶ با مخالفان خود مبارزه کرده و با برقراری سیستم ریاست جمهوری، قدرت را

کاملاً در دستان خود متمرکز کرده است. منتقدان می‌گویند که او با افراد انگشت شماری از مشاوران و بستگان خود در کاخ محاصره شده و به سختی به حرف کارشناسان دیگر گوش می‌دهد.

چهره‌های سابق مانند عبدالله گل و احمد داووداوغلو در حال حاضر در حزب عدالت و توسعه به حاشیه رانده شده‌اند. آن‌ها از تضعیف حاکمیت قانون و اقداماتی مانند برکناری شهرداری‌های شرق ترکیه و هم‌چنین عزل رئیس بانک مرکزی از طرف اردوخان ناراضی هستند.

علی باباجان گفته است که در شرایط فعلی ترکیه به «استراتژی‌ها و برنامه‌های جدیدی» نیاز دارد. او به عنوان وزیر اقتصاد بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ پایه رونق اقتصادی و اصلاحات ترکیه را گذاشت.

رسانه‌های ترکیه درباره اینکه عبدالله گل، رئیس‌جمهور سابق هم‌تلاش می‌کند یک حزب جدید و رقیب حزب حاکم تاسیس کند گمان زنی می‌کنند.

عبدالله گل در ماه مه سال جاری در مصاحبه با عبدالقادر سلوی، روزنامه‌نگار ترک گفت که قصد دارد حزب جدیدی تاسیس کند و در این باره با اردوخان صحبت کرده است. اما او تأیید کرد که با این حال تصمیم گرفته تا انتخابات شهرداری استانبول منتظر بماند.

مراد صابونجو، ستون‌نویس مشهور ترکیه، از «نوعی پشیمانی» در میان اعضای حزب عدالت و توسعه سخن می‌گوید. به گفته این تحلیل‌گر، بسیاری از اعضای حزب پشیمانند که در مورد سیاست‌های استبدادی اردوخان سکوت کرده‌اند و اکنون خواستار اصلاحات هستند.

با این حال، هنگامی که از اردوخان در مورد برنامه‌های علی باباجان سؤال شد او یادآوری کرد که بسیاری در این راه پیش از این شکست خورده‌اند.

به قول تحلیل‌گر «حریت دلی نیوز» باباجان «درک و شعور سیاسی و کاریزما برای رهبری یک حزب» را ندارد. بنابراین تاسیس یک حزب جدید برای حزب حاکم عدالت و توسعه «ضرر به کشنده‌ای» نیست اما می‌تواند توازن سیاسی را در جامعه ترکیه برهم بزند.

نخست‌وزیر پیشین ترکیه اذعان کرد، حزب عدالت و توسعه (حزب حاکم) در این کشور به ریاست رجب طیب اردوخان به دلیل افزایش اختلافات داخلی دچار یاس و ناامیدی شده است.

احمد داووداوغلو، نخست‌وزیر پیشین ترکیه در گفت‌وگویی با روزنامه فایننشال تایمز امریکا، گفت: «حزب عدالت و توسعه به عنوان حزب حاکم به ریاست اردوخان در پی افزایش اختلافات داخلی دچار یاس و ناامیدی شده است و دور شدن این حزب از ارزش‌های اصلی اش موجب نارضایتی گسترده پیشگامان این حزب تا چهره‌های برجسته آن شده است.»

داووداوغلو گفت: «حزب عدالت و توسعه پیش از این عدالت، آزادی و آزادی اندیشه و بیان را ارزشمند می‌دانست اما در سه سال گذشته متوجه شدیم که این ارزش‌های اصلی که ما همواره به آن‌ها احترام می‌گذاشتیم نادیده گرفته شده‌اند.»

داووداوغلو که از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ به عنوان نخست‌وزیر ترکیه و رئیس حزب عدالت و توسعه و نیز از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ به عنوان وزیر خارجه مشغول به فعالیت بود، گفت: «تضعیف نهادهای مختلف ترکیه رو به افزایش است و انتقال به ساختار ریاست جمهوری که موجب شده اردوخان به شکل بی‌سابقه‌ای قدرت به دست بیاورد، به نهادهای اصلی ترکیه آسیب وارد کرده است.»

داوود اوغلو از مهم ترین اعضای حزب عدالت و توسعه محسوب می شود او پیش تر به عنوان هم پیمان جدی اردوخان شناخته می شد.

اردوخان از این تحولات به ویژه چند دستگی در حزب خود، خشمگین شده و تهدید کرده است: «کسانی که در چنین خیانتی شرکت می کنند هزینه سنگینی را متحمل خواهند شد.»

داوود اوغلو در حزب عدالت و توسعه، مفاهیمی هم چون تنش صفر با همسایگان و بازگرداندن ترکیه به میدان روابط سیاسی و اقتصادی شرق و در عین حال ارتقای سطح روابط با غرب، طرح کرده بود.

گفتنی است، عبدالله گل در سال ۲۰۰۱ به همراه اردوخان حزب عدالت و توسعه را تاسیس کرد و در سال ۲۰۰۷ نیز به ریاست جمهوری ترکیه رسید. او سال گذشته به علت انتقاد از قوانین وضعیت اضطراری از سوی اردوخان و هم حزبی هایش آماج حملات و انتقادات قرار گرفت.

حالا باید به چنین پرسشی اندیشید: آیا اخراج داوود اوغلو و افرادی نظیر او به تضعیف حزب حاکم عدالت و توسعه (آک پارتی) می انجامد و عمر سیاسی این حزب را کوتاه می کند؟

احمد داوود اوغلو، عبدالله گل، علی باباجان، نهاد صفر اوستون، سعاده ارگین، بشیر آتالای و بسیاری دیگر از افرادی که از آک پارتی جدا شده اند، دارای خاستگاه اجتماعی خود هستند و و شاید بتوانند بخش کثیر و قابل توجهی از محافظه کاران را زیر عجز سیاسی خود جمع کنند. در این صورت، حزب عدالت و توسعه، آیا چهار سال پیش رو را نیز طی کرده و ترکیه را به ایستگاه ۲۰۲۳ و صد سالگی جمهوری ترکیه می رساند و یا با انتخابات زودرس احتمالی، حزب حاکم و رهبر آن اردوخان سقوط خواهند کرد؟!

به این ترتیب، اردوخان با مشکلات و بحران های عمیق داخلی از جمله، دست و پا زدن در باتلاق بحران اقتصادی، بحران در درون حزبش و یک جنگ تمام عیار با مردم کردستان ترکیه و پ. ک. ک و گسترش ناراضی توده های مردم، پس لرزه های کوتای «ساختگی» ۱۵ جولای، بی اعتباری و غیرقابل اعتماد بودن در عرصه بین المللی و افکار عمومی مواجه است نهایتاً و به احتمال زیاد، مجبور خواهد شد نیروهای اشغال گر نظامی - امنیتی خود را از سرزمین های روژاوا و به طور کلی سوریه خارج شود و «منطقه کنفدراسیون دمکراتیک روژاوا» را به رسمیت بشناسد.

علاوه بر این، در برخی تحلیل های سیاسی آمده است که از نقطه ضعف های برخی رهبران «حزب اتحاد دمکراتیک» و «نیروهای مدافع خلق» می توان اساساً «توهم و خوشبینی در عرصه دیپلماتیک» را برشمرد. زمزمه پذیرش عقب نشینی به آن سوی رودخانه فرات ناشی از این توهم و مماشات است که پیامدهای مخاطره آمیزی را به دنبال خواهد داشت. با وجود این خطرات اگر «حزب اتحاد دمکراتیک» و «نیروهای مدافع خلق» با پافشاری بر اصول و پرنسیپ های دمکراتیک سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاع عمومی و دیپلماتیک خود پافشاری کنند که توده های مردم افکار عمومی مردم آزادی خواه، چپ و سوسیالیست جهان را در حمایت از آن ها به میدان آورد بتوانند توده های مردم آزاده، کارگران و همه نیروهای محروم، ستم دیده و سرکوب شده روژاوا را هم چنان در تعیین سرنوشت سیاسی خود در میدان نگاه دارند و نگذارند شکاف مابین رهبری خودمدریتی دمکراتیک و توده های مردم و حامیان آن ها به وجود آید، پیروزمند از این تند پیچ تاریخی با اتکا بر اراده توده های مردم روژاوا و حمایت مردم آزادی خواه و مبارز سایر بخش های کردستان و مردم آزادی خواه منطقه و جهان عبور خواهد کرد و یک تحول بزرگی در دل خاورمیانه پرتلاطم به وجود خواهد آورد.

چهارشنبه دهم مهر [میزان] ۱۳۹۸ - دوم اکتوبر ۲۰۱۹